

متن سخنرانی در روز 9 آذرماه سال 1396، ششمین همایش سالانه‌ی گرامیداشت روز حسابدار و اولین همایش استانداردهای گزارشگری مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ، **IFRS for**

SMEs، دانشگاه الزهرا، تهران

تلاشم در این ارائه آن است تا نکاتی را برشمرم که برای پیاده‌سازی IFRS در شرکت‌های کوچک و متوسط ایرانی باید به آنها توجه کرد. به عنوان سخنرانی که در مقدمه‌ی این سمینار صحبت می‌کند، فکر کردم فرصت خوبی است اگر بگویم مجموعه‌ی مسائل مرتبط با IFRS چه مباحثی است و در چنین نشست‌ی و یا در همایش‌های مشابه چه مباحثی را در مورد IFRS برای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توان مطرح کرد.

این نکات را در ۱۱ بند خلاصه کرده‌ام که در این جا به عرض شما می‌رسانم. اولین عنوانی که می‌شود در چنین همایشی در مورد IFRS for SMEs بدان پرداخت "شرح و جزئیات استانداردهای گزارشگری" است. تحت این عنوان توضیح می‌دهیم IFRS اصولاً چیست؟ شکل قدیمی آن IAS که از سال 1973 تا 2000 دنبال می‌شده چه بوده؟ این نهاد مستقر در لندن به نام IASB که بعدها در سال 2001 جایگزین IASC شده چه می‌کرده (board به جای committee)؟ تحت این عنوان توضیح داده می‌شود که سابقه‌ی این استانداردها به گذشته‌های خیلی دورتر برمی‌گردد. در مورد صورت‌های مالی اجباری IFRS مثل صورت وضعیت مالی که خیلی شبیه به ترازنامه است و یا اصلاً باید بگوییم همان ترازنامه است، توضیح داده می‌شود. صورت اجباری دیگر صورت سود و زیان جامع است که به دو قسمت تقسیم می‌شود: صورت سودوزیان عملیاتی و صورت سود و زیان درآمدهای دیگری مثل فروش املاک و تجهیزات. صورت سومی که IFRS اجباری کرده صورت تغییر در حقوق مالکانه است و تغییراتی است که در وضعیت سهامدارها پدید می‌آید و شبیه صورت سود تقسیم‌نشده است. و چهارم صورت جریان‌های نقدی است که جریان‌های نقدی شرکت را سه بخش جریان نقدی تأمین مالی، جریان نقدی سرمایه‌گذاری و جریان نقدی عملیات تقسیم می‌کند. این جاست که شرح داده می‌شود غیر از این چهار صورت، شرکت باید خلاصه‌ای از سیاست‌های

حسابداری را هم ارائه کند و با سال قبل مقایسه کند؛ به علاوه برای هر شرکت تابعه هم که لازم باشد، گزارش تهیه می‌شود. شرح این مسائل در جلسه‌ی امروز برای حسابداران حاضر طبعا ضرورت ندارد و زیره به کرمان بردن است. منظورم آن است که تحت این عنوان است که به ریشه‌های استانداردها اشاره می‌شود و مثلا گفته می‌شود که IFRS موضوع اتحادیه‌ی اروپا است و به نوعی 120 کشور از آن استفاده می‌کنند و از آن میان 90 کشور این استانداردها را اجباری کرده‌اند. یا گفته می‌شود بنیادی مسئولیت IFRS را برعهده دارد و در این حوزه کار مداوم می‌کند. خلاصه این که شما در این سمینار طبعا در مورد شرح و جزئیات استانداردها می‌توانید بحث‌های بسیار تخصصی داشته باشید.

سرفصل دومی که در چنین سمیناری و یا در همایش‌های بعدی می‌شود در موردش مفصل صحبت کرد تفاوت IFRS کامل (Full IFRS) با IFRS برای SMEهاست. غیر از حجم که مثلا متن IFRS کامل 3000 صفحه است و در مورد شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) به 230 صفحه کاهش یافته و ساده‌سازی شده، بحث‌های بسیار دیگری زیر این سرفصل می‌گنجد. استانداردهای SMEs قسمت‌هایی از IFRS کامل است. استانداردهایی حذف شده و هر جایی که IFRS گزینه‌ای دارد، در IFRS برای SMEها ساده‌ترین گزینه‌ها انتخاب شده و عملا ساده‌سازی در اندازه‌گیری‌ها و تشخیص‌ها انجام شده است. مثلا ارزشیابی ابزارهای مالی پیچیده‌تر، موجودی‌ها، شرکت‌های وابسته، مشارکت عملی (JV) یا ارزشیابی املاک و مستغلات به ساده‌ترین روش‌ها در IFRS برای شرکت‌های کوچک و متوسط انجام می‌شود. یا اشاره خواهد شد که اصلا قسمت‌هایی در IFRS برای SMEها وجود ندارد، مثل segment reporting، عایدی هر سهم، گزارشگری بین‌دوره‌ای یا حسابداری جداگانه برای دارایی‌هایی که برای فروش نگاهداری می‌شوند. این‌ها را SMEs IFRS ندارد و بدین ترتیب ساده‌سازی شده و طبعا در سمیناری مثل این همایش و سمینارهای متعددی که تشکیل خواهند شد می‌توان ساعت‌ها در مورد تفاوت‌های Full IFRS با IFRS برای SEMها صحبت کرد.

عنوان سومی که من در فهرست دارم به شیوه‌های پیاده‌سازی یعنی شیوه‌ها و مراحل اجرای IFRS برمی‌گردد که طبعاً شما حسابداران خیلی بهتر از ما مالی‌چی‌ها این حوزه را می‌شناسید و من نمی‌خواهم اینجا وقت شما را بگیرم. اما چنین عنوانی بی‌شک خیلی مهم است و پرداختن به آن در جلسه‌ی مثل این همایش یا همایش‌های آتی پیرامون IFRS برای شرکت‌های کوچک و متوسط بسیار اهمیت دارد.

عنوان بعدی که می‌شود در آن مورد در این سمینار و در سمینارهای مشابه پیرامون آن صحبت کرد به سابقه‌ی امر در ایران برمی‌گردد. تاریخچه‌ی پیاده‌سازی استانداردها بعد از انقلاب تا آنجایی که من به خاطر دارم به دهه‌ی 60 برمی‌گردد و به همایشی که در شهرستان زنجان برگزار شد. در آنجا بحث این بود که آیا استانداردهای ملی نوشته‌شود یا استانداردهای بین‌المللی ترجمه‌شود. نظر عده‌ای (و از جمله بنده طبق مقاله‌ای که در زنجان خواندم) بر این بود که استانداردهای بین‌المللی ترجمه‌شود. اما کسانی که مسئول نوشتن استانداردهای ملی بودند به تهیه سند چارچوب نظری مشغول شدند و سال‌ها طول کشید تا چارچوب نظری آماده‌شود. من خود به موضوع علاقه‌مند شدم و حاصل علاقه‌مندی آن شد که مجموعه مقالاتی در مورد چارچوب نظری ترجمه‌کردم و نوشته‌های آدم‌هایی چون هون‌گرن و سلامونز را در آن آوردم (علاقه‌مندان می‌توانند متن کامل آن کتاب را در www.finance.ir پیدا کنند). نهایتاً موضوع استانداردها را در اوایل دهه‌ی 1370 از طریق آقای مهندس آخوندی که در آن زمان وزیر مسکن و عضو شورای پول و اعتبار بودند، دنبال کردم. زنده‌یاد آقای علی‌مدد از من می‌خواستند موضوع را از طریق ایشان دنبال کنم؛ موضوع تشکیل خود جامعه‌ی حسابداران هم بود. در آن زمان مقاومت‌های جدی در برابر خواست تشکیل جامعه بود. این موضوع و بحث استانداردها را من از طریق آقای آخوندی دنبال می‌کردم.

بحث استانداردها همچنان ادامه داشت تا نهایتاً به سال‌های اخیر کشید و من هم در موضوع دوباره درگیر شدم. یعنی مدت‌ها طول کشید تا تحولات بعدی شکل بگیرد. تحولات مربوط به IFRS عملاً از سال 1390 سرعت بیشتری به خود گرفت و در واقع اقداماتی که امروز هم شاهد آن هستیم توسط سازمان حسابرسی،

سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی انجام شد. در مورد بورس، دور جدید تحولات از 27 شهریور سال 1390 با مصوبه‌ای در مورد IFRS آغاز شد که به گونه‌ای به معنای واگذاری اختیارات سازمان حسابرسی به بورس بود. بعد در فروردین 92 قرار می‌شود صورت‌های مالی IFRS به شکل مکمل تولید شود. سازمان بورس البته خود کاری نمی‌کند و در سه سال بعد هم نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. در سال 1395 قرار می‌شود شرکت‌های بزرگ‌تر صورت‌های مالی مبتنی بر IFRS تهیه کنند این بخشنامه در 26 خرداد 1395 انتشار می‌یابد و البته سازمان فهرست شرکت‌های بزرگ را نمی‌دهد و کار پیش نمی‌رود. دوباره شرکت‌ها ملزم می‌شوند از سال 1396 به تدریج صورت‌های تلفیقی براساس IFRS تهیه کنند و این موضوع امروز در جریان است.

البته در سال 1395 فقط ابلاغیه‌ی 08/25 بورس و بعد ابلاغیه‌ی 1396/04/24 بورس نبود، بلکه از سال 1395 بانک مرکزی هم در این مورد به دلیل وضعیتی که در بانک‌ها وجود داشت فعال شد و خواهان اجرای IFRS در بانک‌ها می‌شود. هفتاد و هفت بانک و شرکت نهایتاً الزام پیدا می‌کنند از 01/01/1395 صورت‌های مالی مبتنی بر IFRS را تهیه کنند. بحث‌های بعدی این داستان را همه شما کمابیش می‌دانید. این اواخر از داستان توافق وزیر و رئیس کل بانک مرکزی و ارسال استفساریه به بنیاد IFRS مطلع‌اید. موضع خود سازمان حسابرسی هم طبعاً این می‌شود که ترجمه‌ی استانداردها بتواند مجوز از بنیاد IFRS بگیرد؛ سازمان راهنمایی هم برای به‌کارگیری IFRS تهیه می‌کند. بورس هم در سال 1395 ترجمه‌ای از IFRS در سایت خود می‌گذارد. موضع سازمان حسابرسی این بوده که Full IFRS اجرا شود با دو بند استثنا برای شرکت‌های ایرانی که به تایید بنیاد IFRS می‌رسد. به هر حال طی سال‌های اخیر نقطه‌نظرهای متفاوتی در مورد این که IFRS پیاده بشود و آیا حسابرسان آمادگی دارند و یا ندارند مطرح بوده. این مسائل در عرصه‌های شخصی هم ادامه پیدا می‌کند و اشخاصی مثل آقای شمس‌احمدی (که بنده هنوز منتظر خروجی کار ایشان هستم) روی ترجمه‌ی متن استانداردها کار می‌کنند. سایت شرکت بورس تحت www.ifrs.co.ir

تحولات این مصوبات سازمان بورس را در طول زمان نشان می‌دهد و علاقه‌مندان می‌توانند به این سایت مراجعه کنند.

در بند 5 از مجموع موضوعاتی که در مورد IFRS شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود صحبت کرد، به بحث زمان پیاده‌سازی می‌رسیم. عده‌ای معتقدند این کار با سرعت باید انجام شود. عده‌ای معتقدند با سرعت نباید انجام شود و باید صبر کنیم تا اول IFRS کامل برای شرکت‌های بزرگ اجرایی شود و عجله‌ای نداریم. بنابراین تا زمانی که شرکت‌های عمومی و شرکت‌های بزرگ در بورس هنوز از IFRS استفاده نکرده‌اند و آن را پیاده نکرده‌اند، شاید برای شرکت‌های غیرعمومی، یعنی شرکت‌های کوچک و متوسط، پیاده کردن IFRS شاید زودهنگام باشد. چند ملاحظه در این حوزه قابل اشاره است. یکی این که شرکت‌های بزرگ بورسی خودشان در مجموعه‌ی هلدینگ‌های بورسی شرکت‌های متوسط و کوچک دارند؛ اگر بخواهیم برای شرکت‌های بزرگ‌تر هلدینگ IFRS کامل را اجرا کنیم و در مورد شرکت‌های کوچک و متوسط آن مجموعه‌ها IFRS را پیاده نکنیم، شاید تعدیلات خیلی زیاد شود و از این نظر فکر می‌کنم اگر در شرکت‌های بورسی IFRS دارد پیاده می‌شود، برای تهیه گزارش‌های تلفیقی بهتر است در شرکت‌های کوچک هم از IFRS SEMs استفاده بشود تا تعدیلات کاهش یابد. البته نباید به گونه‌ای باشد که ما یک مرحله جلو برویم و بعد عقب‌نشینی کنیم، مثل آن چیزی که در مورد استانداردهای 15 در رابطه با سرمایه‌گذاری‌ها اتفاق افتاد: چون اداره‌ی مالیات می‌خواست از سود تحقق‌نیافته مالیات بگیرد، مجبور شدیم فرایند را متوقف و بازنگری کنیم و موضوع در واقع دچار بحران شد. این متوقف کردن می‌تواند آثاری داشته باشد. بنابراین وجوه مختلف موضوع باید قبل از اینکه روی زمان پیاده‌سازی تصمیم بگیریم باید بررسی بشود. این موضوعی است که همایشی مثل همایش امروز می‌تواند با عمق بیشتری بدان بپردازد.

عنوان ششم که در مورد IFRS‌های برای SMEs قابل بررسی است اقتصاد سیاسی پذیرش آنهاست. بالاخره در ایرانی که امروز با آمریکا سرشاخ و درگیر است، این که استانداردهای امریکایی نیستند و امریکا

در سال 2012 روی اینها 127 صفحه ایراد گرفته و هنوز با استانداردهای خودش (GAAP) کار می‌کند، خود نکته‌ای است که می‌توان نتیجه گرفت از نظر اقتصاد سیاسی شاید مشکلی برای پیاده‌سازی IFRS نباشد. البته ما نویسنده‌هایی ایرانی داریم که ناقد IFRS بوده‌اند. مثلاً این جملات را از قول یکی از ناقدان می‌خوانیم که «خواست استقرار استانداردهای بین‌المللی در هر حوزه‌ای از ناحیه‌ی هژمونی اندیشه‌ی غربی و پارادایم سرمایه است.» خوب این نشان می‌دهد که عده‌ای پس مخالف این موضوع هستند؛ یعنی از این حوزه حرکت می‌کنند که تفاوت IFRS با GAAP زیاد نیست. یکی تشخیص درآمدها را زودتر انجام می‌دهد و مخارج یا expense را دیرتر شناسایی می‌کند، یعنی راحت‌تر capitalize می‌کند یا این که مثلاً IFRS در محاسبه موجودی‌ها مدل LIFO را قبول ندارد. آن منتقدان معتقدند این تفاوت‌ها عمده نیست و عملاً امریکا از طریق IFRS دارد حرفش را پیش می‌برد و در طول زمان هم IFRS را خواهد پذیرفت.

عده‌ای هم در مورد IFRS کشورهای با تورم لجام‌گسیخته (hyper inflation) ایراد می‌گیرند. آنها می‌گویند استاندارد 29 در مورد پیاده‌کردن IFRS در شرایط تورم حاد که می‌تواند شامل ایران هم بشود (چون ایران سابقه 30-40 ساله در تورم دو رقمی دارد) در کشورهای زیمبابوه، ونزوئلا و بلاروس جواب نداده است. بنابراین از دید اقتصاد سیاسی پذیرش IFRS با مشکلاتی روبه‌روست. ما هم در کشورمان به یک معنی تورم لجام‌گسیخته داریم و نیاز به IFRS ای داریم که با گفتمان قیمت تمام‌شده تاریخی بیشتر منطبق است تا گفتمان قدرت خرید ثابت، به این دلیل هم هنوز IFRS بحث‌های اقتصادی و سیاسی خود را برای ایران دارد. به هر حال، از هر منظری که به مسئله نگاه کنیم و بویژه با توجه به پیاده‌سازی‌های کم‌تر موفق IFRS در کشورهای با تورم‌های حاد- که در مورد ایران هم صدق می‌کند- با علامت سؤال بزرگی روبه‌رو هستیم. به هر حال، موفقیت در اجرا، در شرایط جاری نه‌تنها به آموزش و نظام ارتباطات قابل اعتماد متکی است، بلکه به این نیاز دارد که بخش غیررسمی اقتصاد کوچک شود.

بند بعدی که در این حوزه می‌شود در مورد آن صحبت کرد و این همایش و همایش‌های دیگر باید به آن بپردازند، این است که از کدام نسخه از IFRS برای SEMها باید استفاده کنیم؟ دقیق‌تر این که کدام نسخه‌ی از IFRS را می‌توانیم کامل اجرا کنیم؟ در این جا دو نظر نسبتاً مشخص وجود دارد: عده‌ای معتقدند که دستگاهی واحدی مثل سازمان حسابرسی و متعاقباً جامعه حسابداران باید ابلاغیه‌ی واحدی بدهند و یک نسخه واحد در اختیار همه قرار گیرد. عده‌ای دیگر می‌گویند نسخه‌ی واحد لازم نیست خود؛ بنیاد IFRS نیز فرم‌ها را در اختیار گذاشته و با همین فلسفه هست که سازمان بورس در سایت خود فقط آنها را ترجمه کرده و بنابراین لازم نیست که همه از یک نسخه‌ی واحد استفاده کنند. سازمان حسابرسی برای بررسی‌های IFRS کامل را پذیرفته و فقط جاهایی که احساس خطر کرده، استثنا خواسته و از بنیاد IFRS هم دو استثنا گرفته است. حال کدام یک از این دو دیدگاه باید پیش برود؟ آیا نسخه‌های متعدد به لحاظ تنوع مقام ناظر (Regulator) ضرورت دارد. به هر حال بانک مرکزی روی نکاتی اصرار دارد؛ مثلاً خواسته سپرده‌گذارها و سرمایه‌گذار جدا در سمت چپ ترازنامه بیایند؛ یعنی ایده‌ی خاصی را دنبال می‌کند. در مقایسه، سازمان حسابرسی خواسته‌ی دیگری را دنبال می‌کند. بیمه‌ی مرکزی، مقام ناظر دیگر، خواسته‌ی دیگری را دنبال می‌کند. یا بورس، مقام مالی سوم کشور تاکیدهای خود را دنبال می‌کند. تجربه‌ی جهانی به ما می‌گوید در تصمیم به این که چه نسخه‌ای از IFRS پیش رود، اصلاً اجرا بشود یا نشود، زور مقامات ناظر بیشتر است. در امریکا عملاً این SEC است که استانداردها را اجباری و جاری و ساری می‌کند. در ایران مثل امریکا مقام‌های ناظر متعددی داریم. نحوه‌ی عمل بانک مرکزی در جدا کردن سپرده‌ها از بدهی‌های بانکی در گزارشگری به نوعی بیانگر آن است که نسخه‌ی متفاوتی از IFRS دنبال می‌شود (بانک مرکزی می‌توانست این کار را از طریق گزارش‌های مکمل دنبال کند و نیازی نداشت بر نسخه متفاوتی اصرار بورزد) هنوز هم از این مسأله کوتاه نیامده است، چون همین روزها در دستور جلسه‌ی شورای پول و اعتبار "دستورالعمل شیوه‌ی شناسایی درآمدها در مؤسسات اعتباری" قرار گرفته که به نوعی نسخه‌ای متفاوت از FULL IFRS می‌باشد. در نامه‌ی توضیحی برای شورای پول و اعتبار آمده است که پیشنهاد این دستورالعمل مبتنی بر استانداردها

و بانکداری اسلامی است. فارغ از این که "مبتنی بر بانکداری اسلامی" به چه معناست، باید نتیجه‌گیری کنیم که بانک مرکزی از نسخه‌ای متفاوت از IFRS صحبت می‌کند؟ اگر بانک مرکزی می‌خواست اصول بانکداری اسلامی را در استانداردها لحاظ کند، شاید راه‌حل ساده‌تر این می‌بود که مثلاً استانداردهای تعدیل‌شده‌ی مالزی را می‌گرفت و کمیته‌ی فقهی بانک مرکزی روی آن کار می‌کرد و موارد شرعی استثنا را پیدا می‌کرد. به هر حال ما، در مورد IFRS نسخه‌های متفاوتی می‌بینیم: مثلاً پاکستان برای IAS49 و IAS41 استثنا گرفته و روسیه استاندارد سرقفلی IFRS را نپذیرفته است. بنابراین، یکی از بحث‌هایی که باید در همایش‌هایی از این دست دنبال شود این است که کدام نسخه IFRS برای SEMها باید مورد استفاده قرار گیرد.

بحث در این حوزه به اهداف استاندارد برمی‌گردد. از شروع بحث در این مورد در دهه‌ی 50 قرن بیستم، هدف این بوده که نوعی هماهنگی به‌وجود بیاوریم که تفاوت‌های در شیوه‌ی عمل و استانداردهای حسابداری کاهش یابد. اصطلاحاً هدف harmonizing دنبال می‌شده است. از سال 1990 که از بحث harmonize کردن بیرون آمده و می‌خواهیم یک قدم جلوتر برویم و استانداردهای حسابداری کشورهای مختلف را همگرا کنیم؛ یعنی به دنبال convergence هستیم. به دنبال مجموعه‌ی مشترک و باکیفیت بالا از حساب‌ها در همه‌ی کشورهای مختلف‌ایم که مقایسه را آسان‌تر کند. یعنی اگر بخواهیم آن طور که IASB می‌گوید عمل کنیم و یا به نسخه‌ای از IFRS عمل کنیم، عملاً داریم استانداردهای ملی را جایگزین می‌کنیم.

این هدف استانداردها بوده و باید دید آیا این هدف در توسعه‌ی اقتصادی نقش دارد یا نه. مطالعات موجود مثل آنچه برای IFRS FULL انجام شده، بیانگر آن است که IFRS برای SEMها هم در توسعه‌ی اقتصادی نقش دارد و پیاده‌سازی IFRS رابطه‌ی مستقیم با مثلاً توسعه‌ی بازار سرمایه دارد. از این مطالعات کم وجود ندارد. این مطالعات بیانگر این است استفاده‌ی بخشی از IFRS و نسخه‌های ناقص IFRS کمک نمی‌کند.

بیشتر مطالعاتی که از حوزه‌ی توسعه‌ی اقتصادی به پیاده‌سازی IFRS نگاه می‌کند به کارگیری IFRS کامل را توصیه می‌کند.

بالاخره آخرین موضوعی که توصیه می‌کنم در همایش‌هایی از قبیل همایش امروز پیرامون IFRS شرکت‌های کوچک و متوسط باید بررسی کرد دو موضوع ارزش عادلانه (fair value) و سرقفلی و طبعا استهلاک سرقفلی است. بالاخره در شرایطی که بانک صادرات نمادش 17 ماه بسته است، چگونه ارزش عادلانه را پیدا کنیم. ارزشیابی‌ها در ایران بسیار غیردقیق است و نظارت دقیقی بر عملکرد ارزشیابان نیست بیشتر کارشناسانی که مدرک ارزشیابی بویژه از قوه‌ی قضائیه می‌گیرند، دانش مالی ندارند و از این رو ارزشیابی‌های بسیار متفاوتی بیرون می‌آید. بنابراین سؤال آن است که کدام ارزشیابی باید ملاک قرار گیرد. همین مسئله در مورد سرقفلی وجود دارد. اگر اجازه بدهیم شرکت‌های کوچک و متوسط دائما سرقفلی‌ها را تغییر دهند، صورت‌های مالی چقدر می‌تواند معتبر باشند. البته می‌دانیم در IFRS برای SEMها سرقفلی صرفا براساس رویکرد سرقفلی خریداری شده مورد استفاده و محاسبه قرار می‌گیرد، و هزینه‌های توسعه‌ای به expense تبدیل می‌شوند و capitalization آنچنانی وجود ندارد. این خود تا حدی باعث دلگرمی است. اگر به شرکت‌های کوچک و بزرگ اجازه‌ی capitalization بدهیم، معلوم نیست کار به کجا می‌کشد؟ از این رو سمینارها و همایش‌هایی از این دست باید روی دو موضوع ارزش عادلانه و سرقفلی بحث طولانی داشته باشند تا بتوانیم IFRS را برای شرکت‌های کوچک و متوسط با اطمینان بیشتری پیاده‌سازی کنیم.